## جلسه 92-444

**یک‌شنبه - 10/01/۹9**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث راجع به این فرمایش صاحب عروه بود که فرمود: کراهت یا حرمت محاذات بین زن و مرد در نماز، مختص است به آن کسی که نمازش را متأخر شروع بکند یا این‌که زن و مرد با هم نمازشان را شروع بکنند. اما آن کسی که نمازش را زودتر شروع کرده، او مشمول حرمت یا کراهت محاذات نیست. مثلا اگر مردی شروع بکند در نماز، در اثناء نماز زنی در کنار او بایستد و نماز بخواند، بناء بر حرمت محاذات بین زن و مرد در نماز، نماز این زن باطل است اما نماز مرد باطل نمی‌شود.

ما عرض کردیم دو وجه برای این مطلب می‌‌شود ذکر کرد که به نظر ما هیچ‌کدام از این دو وجه تمام نیست:
وجه اول وجهی بود که مرحوم استاد در کتاب تنقیح مبانی العروة ذکر فرموده بودند که ما نقل کردیم و اشکال کردیم.

وجه دوم استدلال به صحیحه علی بن جعفر است که شیخ طوسی در کتاب تهذیب نقل می‌‌کند از علی بن جعفر که ایشان از امام کاظم علیه السلام سؤال کردند عن امام کان فی الظهر فقامت امرأته بحیاله تصلی و هی تحسب انها العصر هل یفسد ذلک علی القوم و ما حال المرأة فی صلاتها معهم و قد کانت صلت الظهر؟ امام جماعتی مشغول نماز ظهر است، عده‌ای هم به او اقتداء کردند، همسر او در کنار او می‌‌ایستد و اقتداء می‌‌کند به او به خیال این‌که این نماز نماز عصر است، چون او نماز ظهرش را قبلا خوانده بود، ‌آیا این کار باعث می‌‌شود که نماز این‌ها باطل بشود یا نه؟ حکم نماز خود زن چه می‌‌شود؟ حضرت در جواب فرمود: لایفسد ذلک علی القوم و تعید المرأة صلاتها. کار این زن نماز این امام جماعت و مأمومین را باطل نمی‌کند ولی خود این زن باید نمازش را اعاده کند.

تقریب استدلال به این روایت این است که گفته می‌‌شود: وجه این‌که امام فرمودند نماز این قوم باطل نمی‌شود ولی نماز خود زن باطل است، همین است که زن متاخر بود نمازش از این‌ها و نماز او باطل است اما نماز این امام جماعت و مامومین که قبلا شروع کردند باطل نمی‌شود.

کلام واقع می‌‌شود تارة در سند این روایت و تارة أخری در دلالت آن:

اما سند این روایت: شیخ طوسی در تهذیب در جلد 2 صفحه 232 و 379 نقل می‌‌کند این روایت را با سندش از عیاشی از جعفر بن محمد از عمرکی از علی بن جعفر. این سند ضعیف است چون هم جعفر بن محمد مجهول است هم سند شیخ طوسی به عیاشی اشکال دارد. اما در جلد 3 صفحه 50 این روایت را نقل می‌‌کند مستقیم از خود علی بن جعفر می‌‌گوید سأل علی بن جعفر اخاه موسی بن جعفر علیهما السلام. سند شیخ طوسی به علی بن جعفر در مشیخه تهذیب صفحه 86 ذکر می‌‌کند، ‌در آن‌جا دارد و ما ذکرته عن علی بن جعفر فقد اخبرنی به الحسین بن عبیدالله عن احمد بن محمد بن یحیی عن ابیه محمد بن یحیی عن العمرکی عن علی بن جعفر. مشکل این سند احمد بن محمد بن یحیی است که توثیق خاص دارد. ولی ما عرض کردیم که ایشان از مشایخ صدوق است که شیخ صدوق به او استناد می‌‌کند در طرق به اصحاب، اکثار روایت از او کرده و بر او ترضی کرده و لذا به نظر ما احمد بن محمد بن یحیی ثقه است چون این اکثار روایت صدوق کشف می‌‌کند که ایشان نزد شیخ صدوق حسن ظاهر داشته مخصوصا با این ترضی که بر او می‌‌کند. ولی مرحوم آقای خوئی احمد بن محمد بن یحیی را چون توثیق خاص ندارد مجهول الحال می‌‌دانند. ولی باز مشکل ایجاد نمی‌شود چون در مشیخه شیخ طوسی فرموده ما اقتصار می‌‌کنیم بر بعض طرق‌مان و بعض طرق را در کتاب فهرست ذکر می‌‌کنیم. با توجه به این‌که شیخ طوسی بدأ سند که می‌‌کند در تهذیب به یک شخصی، فرموده است از کتاب او نقل می‌‌کند، کتاب علی بن جعفر را هم در فهرست با سند‌های مختلفی شیخ طوسی به آن طریق دارد. و لذا روایت سندا تمام است.

اما دلالت روایت: اشکالی که به دلالت این روایت گرفته شده، گفته شده: معلوم نیست که وجه بطلان نماز این زن این بوده که رعایت فاصله میان خودش و میان مردها را نکرده تا ما بگوییم مربوط به بحث ما است؛ ممکن است وجه فساد نماز این زن این بوده که این زن اقتداء کرده به نماز ظهر امام در حالی که خودش نماز عصر می‌‌خوانده. و این مطلبی است که شیخ مفید فرموده جایز نیست و شیخ طوسی هم به همین استدلال کرده برای فرمایش مرحوم شیخ مفید. یا ممکن است منشأ بطلان نماز این زن این بوده که در نماز جماعت شرط است که زن پشت سر مردها نماز بخواند نه در کنار مردها، نه در کنار امام جماعت. و لذا این زن نماز جماعتش باطل شده و این منشأ شده که نمازش بخاطر اخلال به وظیفه نماز چون حمد و سوره را ترک کرده در این نماز، نمازش محکوم به بطلان بشود.

این مقدار از اشکال کافی نیست. برای این‌که ما کار نداریم که منشأ بطلان نماز این زن چیست؛ مهم این است که امام علیه السلام حکم کردند که نماز آن امام و آن مامومین که پشت سر امام می‌‌خواندند صحیح است. این مهم است. کسانی که مختص می‌‌دانند حرمت محاذات بین زن و مرد در نماز را به آن جایی که نماز این‌ها صحیح باشد با قطع نظر از محاذات، این‌ها می‌‌توانند بگویند شاید امام علیه السلام که فرمود نماز این امام و مامومین صحیح است بخاطر این بوده که نماز این زن فی حد نفسه باطل بوده چون حالا یا بخاطر آنی که شیخ مفید فرموده که اقتداء کرده در نماز عصر خودش به نماز ظهر امام یا بخاطر این‌که رعایت شرائط نماز جماعت را نکرده که زن باید پشت سر مردها قرار بگیرد. این منشأ شده که نماز این زن با قطع نظر از بحث محاذات بین زن و مرد در نماز باطل باشد. و لذا نماز باطل فی حد ذاته این زن موجب بطلان نماز بقیه نمی‌شده حتی اگر مقارن با آن‌ها نماز را شروع می‌‌کرده.

اما فرض این است که ما به اطلاق ادله تمسک کردیم گفتیم حتی نماز فاسدی که این زن می‌‌خواند مادامی که صدق می‌‌کند عرفا بر آن نماز، این اگر رعایت فاصله نشود در آن بین زن و مرد موجب بطلان نماز مردها می‌‌شود چون اطلاق دارد آن روایاتی که مفادش این است که لایصلی الرجل و بحذاءه امرأة تصلی، اختصاص ندارد به این‌که و بحذاءه امرأة تصلی صلاة صحیحة فی حد ذاتها، و لو بحذاءه امرأة تصلی صلاة فاسدة مادامی عرف صادق بداند بر آن، نماز را. طبق این مبنا گفته می‌‌شود که استدلال به این روایت تمام است بر این‌که نماز این زن چون متاخر بوده از شروع مردها در نماز، و لو رعایت فاصله نکرده، نماز این مردها را باطل نمی‌کند.

آقای سیستانی فرمودند: اشکال ندارد ما در نماز جماعت به این ملتزم می‌‌شویم. می‌‌گوییم در نماز جماعت اگر زنی بیاید در کنار امام جماعت قرار بگیرد بدون رعایت فاصله و بدون رعایت شرط جماعت، اقتداء کند به این امام جماعت ملتزم می‌‌شویم که نماز این زن باطل است ولی نماز این مردها صحیح است. حکم تعبدی است در خصوص صلات جماعت. اما اگر این‌ها نماز جماعت نمی‌خواندند، شخصی ایستاده بود جلو نماز فرادی می‌‌خواند دیگران هم پشت سر او نماز فرادی می‌‌خواندند یک زنی آمد کنار آن شخصی که جلو ایستاده بود شروع کرد بدون رعایت فاصله نماز بخواند آن‌جا ملتزم می‌‌شویم که نماز همه باطل می‌‌شود.

انصافا این فرمایش عرفی نیست که ما بگوییم جماعت بودن امرش اسهل است چون این‌ها نماز جماعت می‌‌خواندند عدم رعایت فاصله توسط این زن منشأ نمی‌شود که نماز آن‌ها باطل بشود. ولی اگر فرادی می‌‌خواندند منشأ می‌‌شود که نماز آن‌ها باطل بشود، ‌این خلاف متفاهم عرفی است تفصیل بین این دو فرض.

تنها وجهی که به نظر ما می‌اید همان‌طور که آقای خوئی هم به آن اشاره کردند در اشکال به استدلال به این روایت این است که بگوییم در نقل وافی و وسائل الشیعة دارد فقامت امرأة بحیاله و لذا نقل تهذیب در جلد 3 صفحه 50 که دارد فقامت امرأته بحیاله ثابت نمی‌شود مخصوصا که در طریق عیاشی که در جلد 2 صفحه 379 و صفحه 232 شیخ طوسی نقل می‌‌کند این روایت را، اختلاف است، در صفحه 379 دارد فقامت امرأة بحیاله، در صفحه 232 دارد فقامت امرأته بحیاله. و لذا ثابت نمی‌شود که در نسخه صحیحه تهذیب فقامت امرأة بحیاله، ‌با این اختلاف‌ها. شاید فقامت امرأة بحیاله باشد. و عادتا امراه که ظهور دارد در امراه اجنبیه بیاید کنار یک مردی نماز بخواند، فاصله به مقدار یک وجب را مراعات می‌‌کند. زن خود انسان ممکن است اهمیت ندهد بدون رعایت فاصله یک وجب نماز بخواند اما امراه اجنبیه عادتا این‌طور است. و لذا نماز این زن شاید از حیث آخری باطل بوده و از این جهت هم که فاصله میان او و میان این مردها حفظ شده به مقدار یک وجب، نماز این مردها صحیح بوده و نماز آن بخاطر آن مشکل دیگر که عرض کردیم یا این‌که نماز ظهرش را اقتداء کرده به نماز عصر امام یا رعایت شرائط نماز جماعت زن را پشت سر مرد رعایت نکرده باطل شده بوده.

بله، ‌اگر کسی بگوید مراعات فاصله به مقدار چهار متر و نیم، ‌عشرة اذرع لازم است دیگر این بیان ما نمی‌اید. و لذا استدلال به این روایت تمام می‌‌شود بر این‌که نماز آنی که زودتر شروع کرده باطل نمی‌شود بخاطر این‌که در اثناء نماز او یک زنی بیاید در کنار او بدون رعایت فاصله نماز بخواند.

از این مسأله گذشتیم.

## مسأله 26: جریان حکم در محارم

در مسأله 26 صاحب عروه فرموده است: لافرق فی الحکم المذکور کراهة أو حرمة بین المحارم و غیرهم و الزوج و الزوجة و غیرهما.

این مطلب درستی است. هم اطلاق ادله اقتضاء می‌‌کند که فرقی نباشد بین محارم و غیر محارم و یا بین زوج و زوجه و غیر این‌ها، و هم این‌که در مثل روایت محمد بن حلبی تصریح شده بود که دختر مرد یا زن مرد در گوشه‌ای نماز می‌‌خواند، که حضرت فرمود اگر ستری بین‌شان نباشد جایز نیست، یک طرف مرد نماز می‌‌خواند یک طرف دیگر امرأته أو ابنته. البته سند این روایت ضعیف بود ولی به عنوان مؤید قابل ذکر است. عمده اطلاق ادله است.

بعد صاحب عروه فرموده: و کونهما بالغین او غیر بالغین او مختلفین. فرقی نیست که این زن و مرد که کنار هم نماز می‌‌خوانند هر دو بالغ باشند یا هر دو غیر بالغ باشند یا یکی بالغ باشد یکی غیر بالغ، حکمش مثل این است که هر دو بالغ باشند. اگر ما گفتیم نماز یک مرد و زن بالغ کنار هم بدون رعایت فاصله باطل است نماز یک مرد بالغ با یک دختر غیر بالغ در کنار هم موجب بطلان نماز است یا نماز یک زن بالغه با یک پسر غیر بالغ موجب بطلان است اگر کنار هم نماز بخوانند بدون رعایت فاصله. بناءا علی المختار من صحة عبادة الصبی و الصبیة. فرمودند بناء بر این مسلک صحیح که ما معتقدیم عبادات صبی و صبیه، عبادات غیر بالغ هم مشروع است.

به نظر ما این فرمایش درست نیست. موضوع مانعیت محاذات در روایات الرجل و المرأة است. الرجل و المرأة صادق نیست بر پسربچه و دختربچه. و ما احتمال می‌‌دهیم این حکم از مختصات بالغین باشد. چه جور الغاء خصوصیت کنیم از رجل و مرأه به پسربچه و دختربچه؟ مردی نماز می‌‌خواند، یک دختر بچه صبیه ممیزه کنار او بایستد نماز بخواند صدق نمی‌کند بحذاءه امرأة تصلی. دلیلی بر مانعیت نماز این دختربچه در کنار این مرد نداریم.

حتی به نظر ما اگر یک مردی بیاید کنار یک دختربچه‌ای نماز بخواند نماز دختربچه هم مشکل ندارد. نه تنها دلیل نداریم که نماز آن مرد مشکل پیدا نمی‌کند نماز این دختربچه هم مشکل پیدا نمی‌کند. این‌که ظاهر کلام مرحوم آقای خوئی است که چون امر صبی و صبیه به صلات ظهور دارد در همان صلات واجد شرائط بالغین و لذا این دختربچه که کنار یک مرد نماز می‌‌خواند این نمازش دلیل بر مشروعیت ندارد چون امر او به صلات انصراف دارد به آن صلاتی که اگر این دختربچه بالغه بود صحیح بود حالا غیر بالغه هم هست صحیح است. خب اگر این دختربچه بالغه بود کنار این مرد نماز می‌‌خواند صحیح نبود. ولی آقای خوئی فرمودند نماز آن مرد مشکل ندارد چون دلیل که لایصلی الرجل و بحذاءه امرأة‌ تصلی شاملش نمی‌شود. به نظر ما نماز این مرد که درست است نماز آن دختربچه هم درست است. چون ما ظهوری نداریم که تمام شرائطی که برای نماز بالغین است دلیلی که امر می‌‌کند غیر بالغ را به صلات تمام آن شرائط را می‌‌گوید باید رعایت کند. مثلا لبس ذهب برای مرد مبطل صلات است، ما دلیل نداریم اگر صبی ممیز پسربچه ممیز در نماز لبس ذهب بکند مبطل صلاتش است. کیفیت داخله صلات‌شان مثل هم است نه شرائط مصلی. ممکن است بعض شرائط مختص به بالغین باشد. پس دختربچه هم ما دلیل نداریم شرط صحت نمازش این است که مردی در کنار او نماز نخواند. و لذا هم نماز این دختربچه صحیح است هم نماز آن مرد.

این‌که صاحب عروه فرمودند فرق نمی‌کند بالغ با غیر بالغ در این مسأله این نتیجه این ادعا این است که می‌‌گویند عرف از الرجل و المرأة مونث و مذکر می‌‌فهمد نه مرد که یعنی مرد بالغ در مقابل بچه، نه زن در مقابل دختربچه. خب این دلیل ندارد. برای چی ما از لفظ الرجل جنس مذکر بفهمیم؟ این خلاف ظاهر است. برای چی از المرأة جنس مؤنث بفهمیم که شامل دختربچه هم بشود؟ این خلاف ظاهر است. لااقل احراز ظهور نمی‌کنیم در اعم. قدرمتیقن این است که این مانعیت مختص محاذات بین مرد بالغ و زن بالغ است.

این الغاء خصوصیت اختصاص به این‌جا هم ندارد. به قول آقای خوئی در برخی از احکام دیگر هم مشهور همین کار را کردند. مثلا در این حکمی که در فقه هست که من اوقب غلاما حرمت علیه ابنته و اخته، کسی که عمل شنیع با غلامی انجام بدهد خواهر آن غلام، دختر آن غلام در آینده، ‌مادر آن غلام بر این مردم حرام می‌‌شود. موضوع در روایت این است که رجل اوقب غلاما. مشهور گفتند رجل خصوصیت ندارد، حالا اگر فاعل صبی بود، رجل نبود بالغ نبود، او هم موجب حرمت ابدیه ازدواج این فاعل غیر بالغ می‌‌شود با خواهر آن مفعول.

مرحوم آقای خوئی فرمودند ما در همان‌جا هم این را قبول نکردیم. گفتیم ظاهر رجل این است که فاعل بالغ باشد و ظاهر غلام هم این است که مفعول غیر بالغ باشد. و ایشان فتوی داده به این‌که اگر فاعل بالغ نبود یا مفعول بالغ بود این حرمت ابدیه به وجود نمی‌اید بین ازدواج فاعل با خواهر مفعول مثلا. ولی مشهور از رجل اوقب غلاما الغاء خصوصیت کردند. انصافا این اشکال آقای خوئی وارد است. ما ملاکات احکام را نمی‌دانیم، ‌چطور الغاء خصوصیت کنیم از این حکم عقوبتی از الرجل که قدرمتیقنش بالغ است به صبی غیر بالغ؟ شاید او مشمول این حکم عقوبتی نباشد. بله راجع به غلام ما همان‌طور که مرحوم آقای تبریزی می‌‌فرمودند معتقدیم غلام اختصاص به صبی غیر بالغ ندارد، غلام یعنی نوجوان و این اعم است از صبی غیر بالغ و یا نوجوانی که ابتداء بلوغش هست. بله، شامل پیرمرد و کامل‌سن‌ نمی‌شود.

البته ممکن است صاحب عروه در این‌که فرموده فرق نیست در بحث کراهت یا حرمت محاذات بین زن و مرد بین این‌که این دو بالغ باشند یا غیر بالغ باشند یا یکی‌شان بالغ باشد دیگری غیر بالغ، نظر کرده باشد به صحیحه محمد بن مسلم. در صحیحه محمد بن مسلم بود سألته عن الرجل یصلی فی زاویة الحجرة‌و امرأته أو ابنته تصلی بحذاه فی الزاویة الاخری قال لاینبغی ذلک و ان کان بینهما شبر اجزأه. در این روایت تعبیر شده ابنته تصلی بحذاه، گفته می‌‌شود دختر شامل دختربچه غیر بالغ هم می‌‌شود.

و لکن به نظر ما این استدلال تمام نیست. اولا این اختصاص دارد به این‌که یکی از این دو بالغ است، ‌الرجل یصلی فی زاویة الحجرة‌ و امرأته تصلی بحذاه، اما اگر هر دو غیر بالغ بودند این روایت شامل نمی‌شود. ثانیا ظهور انصرافی روایت در این‌که مردی نماز می‌‌خواند در زاویه حجره، زنش یا دخترش در زاویه دیگر حجره نماز می‌‌خواند این است که نظر دارد به دختر بالغه که انجام وظیفه می‌‌کند در نماز. اگر مقصودش دختربچه خردسال بود عرفا در سؤال اخذ می‌‌کرد. و لذا بعید نیست بگوییم انصراف دارد ابنته به ابنه‌ای که بالغه شده و لااقل من احتمال الانصراف.

و لذا به نظر ما بعید نیست که حرمت محاذات در نماز مختص باشد به زن و مرد بالغ.

و الحمد لله رب العالمین.